

تصمیمات مهمی مثل اعدام قاتلان خانه اصفهان ایده رسانه‌ای می‌خواهد

پادزحر سفیدشویی آدم‌کش‌ها

ماجرای خانه اصفهان چه بود؟

براساس آنچه در رسانه‌ها آمده، ۲۵ آبان ماه بود که بر اثر یک حمله مسلحانه تروریستی در میدان نگهدانی محله خانه اصفهان، سه‌مدافع امنیت‌به‌نام‌های اسماعیل چراغی، محسن حمیدی و محمد کریمی به شهادت رسیدند. عوامل این حمله، با هماهنگی قبلی که با یکدیگر داشتند دست به اقدامات تروریستی زدند و با کشتیدن سلاح به قصد جان مردم و ماموران اقدام به تیراندازی کردند. در این عملیات تروریستی تعدادی از مردم و نیروهای حافظ امنیت نیز مجروح شدند. اینها کمتر از ۲۴ ساعت بعد از ارتکاب این جنایات هولناک، توسط نیروهای امنیتی با‌دانشت شدند و روند رسیدگی به این پرونده آغاز شد، پس از دستگیری عوامل تیراندازی و صدور کیفرخواست، دادگاه رسیدگی به اتهامات ۶ نفر از متهمان این پرونده در چهار جلسه طی تاریخ‌های ۷ و ۸ و ۱۰ دی‌ماه در دادگستری استان اصفهان برگزار شد. در فرآیند برگزاری دادگاه چهارنفر از متهمان دارای وکیل تعیینی بودند و دو نفر نیز به علت عدم معرفی وکیل تعیینی، از امکانات قانونی استفاده کردند و برای آنها وکلای تسخیری دنظر گرفته‌شدوسپس واخذ دفاعیات متهمان ووکلای آنها،رای بدوی صادر شد. ناگفته‌نماندرسیدگی به پرونده این متهمان حواشی رسانه‌ای بسیاری هم‌به‌همراه داشت ۱۹ دی سال گذشته‌رای بدوی متهمان این پرونده صادر شد که براساس احکام صادره صالح میرهاشمی بلطاقی فرزند سیدکاظم میره‌دیف اول پرونده‌به اتهام‌مخاربه از طریق کشتیدن سلاح کت کمری، تشکیل و اداره گروه مجرمانه به قصد برهم زدن امنیت کشور و اجتماع و تبانی منتهی به جرائم ضدامنیت داخلی به اعدام و به اتهام عضویت و همکاری با گروهک منافقان به ۱۰ سال حبس تعزیری محکوم شد. مجید کاظمی شیخ‌شبانئی فرزند محمدرضا متهم ردیف دوم پرونده به اتهام مخاربه از طریق کشتیدن سلاح کلاشینکف به اعدام و برای اتهامات عضویت در دسته‌ها و جمعیت غیرقانونی به قصد برهم زدن امنیت کشور و اجتماع و تبانی منتهی به جرائم ضدامنیت داخلی به ۱۰ سال حبس تعزیری محکوم شد. سعید یعقوبی کردسلفی فرزند کرمرلی متهم ردیف سوم پرونده‌به‌اتهام‌مخاربه از طریق اقدام به کشتیدن اسلحه و استفاده از کلت کمری به اعدام و برای اتهامات عضویت در دسته‌ها و جمعیت غیرقانونی به قصدبرهم زدن امنیت کشور و اجتماع و تبانی منتهی به جرائم ضدامنیت داخلی به پنج‌سال حبس تعزیری و برای اتهام معاونت در مخاربه به تحمل ۱۶ سال حبس تعزیری محکوم شد. سهیل جهانگیری فرزند عبدالحسین متهم ردیف پنجم پرونده از بابت اتهام اجتماع و تبانی منتهی به جرائم ضدامنیت داخلی کشور به دوسال حبس تعزیری با احتساب ایام یا‌داشت محکوم شد.

برای جابر میرهاشمی فرزند هاشم متهم ردیف ششم این پرونده نیز حکم برائت صادر شد. بخشی از اعترافات متهمان این پرونده هم در جریان دادگاه‌ها منتشر شده بود. در این جلسات، نماینده دادستان، متهمان ووکلای آنها، شهود، شکات و وکلای خانواده شهدا حضور داشتند. صالح میرهاشمی،متهم ردیف اول پرونده نخستین فردی بود که در دادگاه به اتهاماتش رسیدگی شد. نماینده دادستان با اشاره به اقدامات و اقراریر متهم ردیف اول صالح میرهاشمی گفت: «متهم صالح میرهاشمی در رابطه با ارتباط خود با گروهک تروریستی منافقین عنوان کرده است: «یک صفحه‌به‌نام بی‌باک به من پیام داد که حاضر به همکاری با ما هستید؟ که در ادامه من هم چندین نقطه‌را برای اطلاع منافقین شناسایی و ارسال کردم، ازجمله‌حوزه‌علمیه‌لیمجیر، پایلگاسپاه‌در‌خانه اصفهان ویلیگا‌سیج که از طریق تلگرام آدرس این ام‌کن را برای آنها ارسال و اعلام کردم که مسلح هستم»؛ متهم به‌همراه همدستان خود در یک‌اصطبل اقدام‌به‌ساخت کوکتل مولوتف کرده بود و تصاویر کوکتل‌ها را برای گروهک منافقین ارسال می‌کرده‌است. متهم همچنین در ارتباطاتی که با عوامل گروهک منافقین داشته، عنوان کرده‌است که «مایک‌تیم‌پنج‌نفره مسلح هستیم‌و‌از‌نظر‌مالی وپشتیبانی‌به‌هیچ‌کسی احتیاجی نداریم.» متهم همچنین تصاویری را از محله‌خانه‌اصفهان برای گروهک منافقین ارسال کرده است. او عنوان کرد که سال ۱۴۰۰ در کردستان اسلحه کلت کمری را به‌همراه تعدادی تیر به قیمت هشت‌میلیون و ۳۰۰ هزار تومان با یک خشاب اضافه خریداری کرده‌است. متهم صالح میرهاشمی در اقراریر خود نیز ضابط قضایی اعلام کرد که چهار حلقه لاستیک در زمین حسن نفتی را برداشته‌به‌سمت‌فلکه‌نگهبانی‌خانه‌اصفهان رفته و آنها را به‌وسط خیابان انداخته و اقدام‌به سر دادن شعار کردم. در ادامه باقی متهمان هم اعترافاتی داشتند و درنهایت احکام بدوی متهمان به شرحی که نوشتیم، صادر شد. بعد از اعلام احکام بدوی و اعتراض متهمان و بعدتر تایید احکام، ۲۹ اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۲ سم‌تیم اول، اعدام شدند. نکته قابل تامل در ارتباط با این پرونده، علی‌رغم اقرار متهمان به جنایاتی که در خانه اصفهان مرتکب شدند، عدم فساسازی مناسب و اقتاع بخشی از مردم جامعه بود که نسبت به این مجازات موضع خلاف داشتند. داشتم حین روایت این واقعه هولناک، گزارش‌های خبرگزاری میزان، رسانه رسمی قوه قضائیه‌رای خواندم‌وهمین‌باعث‌شد‌بیش‌تر‌به این‌مسئله‌توجه‌کنم که چنین مجانبینی در چه سازوکاری و در چه ساختاری تبدیل به مظلوم می‌شوند و جنایت‌هایشان پشت پرده‌پویا‌گاندای رسانه‌ای محومی شود؟

شأنی برای افکار عمومی هم قائل هستیم؟

«ترانه علی‌دوستی از سه‌متهم تروریست وابسته به منافقین حمایت می‌کنه و از سازمان ملل برای محکومیت ایران کمک می‌خواد اونوقت قوه قضائیه هیچ»، این یکی از نظراتی بود که یکی از مخاطبان خبرگزاری میزان زیر یکی از گزارش‌ها و اخبار مربوط به متهمان جنایت‌خانه اصفهان نوشت. نظری که مسیر را برای روایت و انتقاد ما به رویه‌های موجود در رسیدگی به

پرونده متهمان امنیتی و تروریستی و امثالهم هموار می‌کند. بگذارید یک‌بار ساده‌با‌هم‌مرور کنیم، تعدادی آدم، بعد از ارتباط با سازمان‌های معاند خارجی تصمیم به خرابکاری در داخل کشوری گیرند. آن هم در ایامی که کشور درگیر غائله‌ای سنگین و پر التهاب است. در جریان این خرابکاری سه‌نیروی مدافع امنیت، از سبچی و انتظامی به شهادت می‌رسند و تعدادی از مردم عادی و نیروی انتظامی هم مجروح و زخمی می‌شوند. به این اتفاقات، رعب و وحشت و ناامنی ایجاد شده را هم مضاعف کنید. آن وقت بعد از دستگیری این جنایتکاران جریان رسانه‌ای، خصوصاً رسانه‌های خارجی به‌سمت تظهیر اقدامات و جنایات آنها می‌رود و بخشی از جامعه هم با آنها همراه می‌شود. سلبریتی‌ها و چهره‌های همه‌چیز‌ندان و این‌طور مواقع در صحنه هم‌پای کار می‌آیند و بر طبل این‌شکاف ایجاد شده و عدم اقتناع مخاطب می‌کوبند و چند قطبی ایجاد شده را تشدید می‌کنند. اما در هیچ کدام از این مراحل، نه رسانه‌های رسمی و نه وابسته، چه مکتوب و چه تصویری، چه حتی خود نهاد تصمیم‌گیر و رسیدگی‌کننده، یعنی دستگاه قضا، الزامی برای روشنگری و پاسخ‌گویی به افکار عمومی نمی‌بیند. فقط چند خبر در رسانه رسمی منتشر می‌شود آن هم در شرایطی که خط‌خبری در دستان جریان معاند است و در نهایت چیزی که پررنگ‌تر از همه‌چیز مخابره می‌شود، خبر اعدام آنهاست.

نه دادگاه‌ها علنی برگزار می‌شوند و نه جزئیات تمام و کمال در اختیار کارشناسان و مطلعان رسانه‌ها قرار می‌گیرد. فقط و فقط خبر و تازه بعد از اعدام چند دقیقه فیلم و کلیپ از اعترافات مجرمان منتشر می‌شود. یعنی درست زمانی که سیستم چندین برابر ظرفیتش برای یک اقدام در جهت تامین امنیت ملی، هزینه‌ده‌داو زیر بار فشارها رفت. نمی‌توانم تمام اینها را پای بی‌اطلاعی بنویسم یا اینکه مغرضانه بدانم، اما این انفعال حتما یک دلیلی دارد که به‌قول معروف این‌طور و آنقدر ساده‌جای جلادو شهید عوز می‌شود. به‌هرحال در یک تقسیم‌بندی کلی می‌توان گفت در چنین شرایطی ما به سه گروه مخاطب داریم، یک گروه لایه سخت مدافع سیستم که خیلی به‌دنبال دلیل هم نمی‌گردد و در هر حال و حالتی، تصمیمات سیستم را می‌پذیرد و پای آن می‌ایستد. لایه دیگری داریم که درست مقابل لایه اول قرار می‌گیرد. هزاران صفحه استدلال و هزاران دقیقه فیلم و سند و مدرک هم که ارائه کنید، باز هم پای نه گفتنش ایستاده و به هیچ‌صراطی مستقیم نیست و سیستم را سر مطلق می‌داند وزیر بار تصمیماتش هم نمی‌رود. اما این بین یک جامعه بزرگ وجود دارد که تشنه و منتظر استدلال نشست‌به‌سمتی‌غش می‌کند که‌با زبان دلیل و مدرک، با استدلال و منطق تفسیر کند. این لایه همان لایه‌ای است که اگر اقتاع شود و بتوان آن را سر خط کرد، تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری در سطوح مختلف راحت‌تر و هموارتر صورت می‌گیرد. از همان ابتدای غائله ۱۴۰۱ تا همین امروز بعد از هر گاف یا هر اشتباه محاسباتی و پنهان‌کاری بی‌دلیل این را گفتیم که سوای موافقان باید حواس به بخشی از جامعه که نقلتی را به درستی یا غلط نسبت به حکمرانی کشور و تصمیم‌گیری‌ها دارد، جمع

<div>متهم ردیف اول</div>
<div>صالح میرهاشمی بلطاقی</div>
اتهام
مخاربه از طریق کشتیدن سلاح کلت کمری و
تشکیل و اداره گروه
مجرمانه
حکم
اعدام

<div>متهم ردیف دوم</div>
<div>مجید کاظمی شیخ‌شبانئی</div>
شبانئی
اتهام
مخاربه از طریق کشتیدن سلاح کلاشینکف
حکم
اعدام

<div>متهم ردیف سوم</div>
<div>سعید یعقوبی کردسلفی</div>
اتهام
مخاربه از طریق اقدام
به کشتیدن و استفاده از کلت کمری
حکم
اعدام

<div>متهم ردیف چهارم</div>
<div>امیر نصرآزادانی</div>
اتهام
معاونت در مخاربه
حکم
اعدام

<div>متهم ردیف پنجم</div>
<div>سهیل جهانگیری</div>
اتهام
اجتماع و تبانی منتهی به جرائم ضدامنیت داخلی کشور
حکم
دوسال حبس تعزیری

<div>متهم ردیف ششم</div>
<div>جابر میرهاشمی</div>
حکم
برائت

باشد. منتها آنقدر این موضوع جدی گرفته نمی‌شود تا وقتی که بحرانی رخ‌نمایی‌کند و هزینه یک تصمیم و اتفاق بیش از حد تصور آمادگی‌ها باشد. اینکه یک رسانه رسمی، در صدر آن رسانه‌ملی چنین وقایعی را دست‌بگیرد و پرونده رسانه‌ای اش را با روشنگری به نتیجه برساند، توقع زیادی نیست، اما خب چنین اتفاقی هنوز نیفتاده و به‌همین خاطر هم هست که نه‌از آنهایی که کارشان رسانه‌است و نه حتی از جایی شبیه‌به‌قوه‌قضائیه که چنین پرونده‌های راه‌به‌سر انجام‌رسانند، انتظار تغییر می‌رود.

برگزاری علنی دادگاه‌ها یک گام در جهت کاهش فشارهای اجتماعی و عمومی‌است
برای تکمیل آنچه گفتیم و انتظار می‌رود گفت‌وگویی با سیدمهدی حسینی حقوق‌دان انجام دادیم و در ارتباط با وضعیت رسیدگی به پرونده‌خانه‌اصفهان و موارد مشابه این وا‌همیت اقتناع افکار عمومی برای صدور و اجرای احکام اینها به «فرهیختگان » گفت: «نظر شخصی خود را از نظر حقوقی بیان می‌کنم، در چنین فضاها و در جریان چنین اتفاقاتی ما با چند رویه و مدل روبه‌رو هستیم، مثلا برخی چهره‌های دانشگاهی که این مدت هم حتما نام‌شان را زیاد شنیده‌اید، در چنین بزنگاه‌هایی بیش از آنکه جانب علم و انتقاد را رعایت کنند، به‌دنبال مطرح شدن و دیده شدن هستند و به‌قول معروف از آب گل آلود ماهی می‌گیرند. این یک وجه مساله است و وجه دیگر این است، به‌طور کلی تا زمانی که نسبت به جزئیات پرونده، نه صرفا دادنامه دسترسی داشته‌باشیم، یعنی زمانی که این اتفاقات افتاد نزد دکتر علی‌غلامی، رئیس دانشکده حقوق دانشگاه امام صادق (ع) رفتیم و از ایشان خواستیم سر مناهده‌با‌آقای‌برهانی‌جای‌اقای‌مجبی‌شرکت کنند؛ ایشان گفتند نمی‌آیم چون از مفاد پرونده خبر ندارم. من شخصا با ایشان همدل بودم. تا زمانی که نسبت به یکایک اوراق، خطوط و جزئیات پرونده اطلاع و اشراف کامل نداشته باشیم نمی‌توانیم قضاوت کنیم، آن هم قضاوت ما که عنوان مخاربه برای آن صدق می‌کند یا خیر و صرفا براساس دادنامه نمی‌توان تحلیل کرد. بنابراین این عمل مخاربه است یا خیر، ما را وارد همان دعوا و گرفتاری‌ای می‌کند که بدون اطلاع از جزئیات بخوایم قضاوت کنیم، در حالی که مشخصا این امر رده‌شده است و در دعوای حقوقی یک کلمه و یک خط و حتی یک گفته از یک نفر می‌تواند کل پرونده را تغییر دهد. اینکه بگوییم من قصد اصلاح داشت‌م و نداشتم، همه اینها پرونده را متفاوت می‌کند. فارغ از این قضاوت به‌نظرم وقتی یک نفر را به مخاربه محکوم می‌کنیم و عناوین حدی که جامعه ممکن است حسب ناراحتی‌های کلی که دارد، قشری که در این قضاوت ممکن است از این‌وری‌آن‌ور بیفتند، سوگیری داشته‌باشد. مخاربه اساسا به معنای اقدام علیه حکومت و امنیت محسوب می‌شود. بغی علیه حاکمیت است منتها مخاربه هم بحث امنیت و هم بحث حاکمیت است اما جامعه این را سمت اینکه حکومت از حقوق خود دفاع می‌کند و اینها را غیرقانونی اعدام می‌کند، برداشت می‌کند. به‌نظرم سازوکار حقوقی که در قوانین مدون ما خصوصا قانون اساسی ما پیش‌بینی شده، خیلی روشن است. من مشروح مذاکرات قانون

مدیرمسئول: محمدامین ایمانجانی-**سرمدبیر:** مسعود فروغی
تلفن وفکس: ۰۲۱) ۶۲۹۹۹۴۹۵
کدپستی: ۱۱۳۵۱۳۳۸۱۶

چاپ: چاپخانه دانشگاه آزاد اسلامی

نشانی: خیابان حافظ، پایین‌تر از جمهوری، رویه‌روی ساختمان بورس، ساختمان فرهیختگان، طبقه سوم

آن طرف دنیا،

کنار پنجره نشسته،

فارغ از هیاهوی ایران

و مشکلاتی که مردم با

آنها دست‌وپنجه نرم

می‌کنند. تلفن همراهش

را برمی‌دارد و چیزی را

علیه سیستم حکمرانی

کشور منتشر می‌کند.

از دوستان قدیمی‌است

و حجب و حیایی بین

ماست با‌دادب از علت

این مساله می‌پرسم و

جوابی چرابی انتشار آن

پست و محتوام، با‌دادب

جوابی را می‌دهد که

با تلورانس کمی، کبی

محتوای بسیاری از

شبکه‌ها و کانال‌های

مجازی معاندان و در

بهترین حالت چهره‌ها و

به‌اصطلاح سلبریتی‌های

فضای مجازی‌است.

بیشتر که می‌پرسم،

عصبانی و دلخور،

موضوعش را تندتر

می‌کند و وسط همان

گفت و‌گو، چیز دیگری

را هم منتشر می‌کند،

به‌مراتب نادانسته‌تر از

قبلی و خیلی تندتر از

آن! سکوت می‌کنم و از

خبر گفت و‌گو می‌کندم.

اما اینها یکی، دو نفر

نیستند. حداقل در

دایره افرادی که من

می‌شناسم، از دوستان

و حتی همکاران

قدیمی، خیلی‌ها در

دام چنین احوالی

گرفتارند. احوالی‌که

شاید آن موقع نه، اما

الان می‌توانم من‌باب

تحلیل و تفسیر آن،

چند خطی بنویسم.

اما برای شیرفهم

شدن، نیاز به مصداقی

بود و این روزها چه

مصداقی بهتر از

مجرمان ماجرای

خانه اصفهان، همان

سه‌نفری که اعدام

شدند و هم، آن

دوست آن‌ور آبی و

هم خیلی‌های دیگر.

همان الگوی ذکرشده

را دوباره تکرار کردند

و در پیش گرفتند.

همان موضع تند

بی‌منطق بی‌اطلاع،

اما پرهرزینه برای

سیستم و در بسیاری

از مواقع دستگاه

قضایی کشور